



عکاسی و زنان عکاس در دوره قاجار

مهدی حسامی^۱

چکیده

هنر و صنعت عکاسی در اواخر دوره محمدشاه قاجار وارد ایران شد و مراحل رشد و ترقی خود را بنا به حمایت همه‌جانبه ناصرالدین‌شاه قاجار طی نموده و رونق بخشید. حمایت شاه از عکاسی ورود عکاسان به دربار و حرم‌سرا را در پی داشت که سالیان سال حس کنجکاوی مردم را در پی داشت. خیل عظیمی از مردم که شاه را ندیده بودند و او را به‌عنوان یک موجود برتر و خیالی تصور می‌کردند با دیدن عکس شاه به دامنه خیالات خود پایان داده و گروهی نیز او را هم‌تراز و هم‌سطح خود قراردادند.

نکته حائز اهمیت در تاریخ عکاسی ایران این‌که بنا به شرایط و قوانین خاص عکاسی و پابندی سخت زنان بر پوشیدگی و روگیری از نامحرم، تصاویر بسیار محدودی از زنان و عکاسان زن، در دوره قاجار وجود دارد. هدف از نگارش این مقاله آشنایی با عکاسان زن این دوره بر اساس منابع تاریخی، سفرنامه‌ها و معرفی عکس‌های زنان، موجود در مرکز اسناد آستان قدس رضوی هست.

کلیدواژه‌های موضوعی: قاجاریه، زنان، عکاسی، هنر

مقدمه

زندگی ایرانیان از اواسط دوره قاجار با هنر و صنعت عکاسی درآمیخته و پیوند خورده است. به‌طوری‌که دربار قاجار ارتباط نزدیکی با آن برقرار کرده و آن را ابزاری برای حفظ فاصله طبقاتی، برتری‌طلبی و فخرفروشی با سایر طبقات اجتماعی جامعه ایرانی قراردادند. به هر جهت عکاسی به مدت بیست‌وپنج سال در اختیار دربار بود و اولین عکاس‌خانه عمومی ایران در شهر تهران افتتاح و راه‌اندازی شد. هم‌چنین گسترش عکاسی در میان برخی شاهزادگان و خانواده‌های اشراف، سبب ایجاد عکاس‌خانه‌های شخصی در خانه‌های آنان شد. عکس‌های برجای‌مانده از این دوران، آشکارا با عکس‌های سال‌های نخست آغاز عکاسی در ایران از جمله در نوع حالت افراد در مقابل دستگاه عکس‌برداری، آرایه‌های صحنه‌ای و تنوع حالت‌ها به‌ویژه حالت‌های برگرفته از زندگی شخصی افراد، تفاوت دارد. در این عکس‌ها، حضور تمامی

^۱. کارشناس عکس و کارشناس مسئول بخش اطلاع‌رسانی مدیریت امور اسناد و مطبوعات آستان قدس رضوی؛ hesami.mehdi@yahoo.com



اعضای خانواده به‌ویژه زنان در حالت‌هایی راحت، بی‌پروا و غیر ساختگی، نمودی آشکار داشت (طهماسب پور، ۱۳۸۹، ص ۱۲۰-۱۱۹).

باوجود افتتاح اولین عکاس‌خانه در ایران و استقبال و گرایش شدید اقبال مختلف جامعه ایرانی از هنر و صنعت عکاسی در آن دوره، فضای بیرون از دربار به شکل دیگری بود. عکس گرفتن از زنان ممنوع و قوانین تصویب‌شده نیز در جهت مخالفت عکس‌برداری از زنان بوده است.

سهولت دستیابی به تصویر از طریق عکاسی و فرآیند بی‌واسطه آن بدون نیاز به مهارت در طراحی، عامل اساسی بوده که ناصرالدین‌شاه در به تصویر کشیدن چهره زنان متعدد خود و دیگر زنانی که به حرم‌سرای او رفت‌وآمد داشته‌اند از آن بهره برده است. شاه با فرآیند عکاسی، که ماهیتاً حذف یک استاد کارآمد نقاشی را برای به وجود آمدن تصویر در پی داشته و شاید مهم‌ترین دلیل عدم خلق آثار تصویری با موضوع زنان تا آن زمان بوده، نه‌تنها به گرفتن عکس‌های گوناگون از زنان می‌پردازد، بلکه حالت‌های خصوصی‌تری از زانانش را نیز در عکس‌ها آشکار می‌کند، خاصیت برداشت‌های لحظه‌ای عکاسی، موجب می‌گردد تا حالت‌ها تقریباً واقعی به نظر برسند و ژست‌ها کمتر تصنعی باشد (طهماسب پور، ۱۳۸۷: ص ۴۶-۴۷).

از تنی چند از زنان نیز که چندان مقید به روگیری حجاب نبودند، مقداری عکس موجود است که از میان آن‌ها می‌توان به تاج السلطنه دختر ناصرالدین‌شاه اشاره کرد که او را در حال دوچرخه‌سواری، نشسته، ایستاده، تمام‌رخ و تمام‌قد نشان می‌دهد (ذکاء، ۱۳۷۶: ص ۱۷۸).



تصویر شماره ۱. عکس تاج السلطنه دختر ناصرالدین شاه سوار بر دوچرخه

باین حال یکی از مسائل اجتماعی در تاریخ عکس، عکس‌برداری از زنان بود که به علت نامحرم بودن آنان بر مرد عکاس، عکس برداشتن از زنان تقریباً محال بود. زیرا شرع اسلام زن و مرد را از تماس با یکدیگر خارج از حریم خانواده منع می‌کند. گویا در اوایل ورود عکاسی به ایران عده‌ای از روحانیون عکس برداشتن، به‌خصوص از محارم را منع و خلاف شئون اسلام می‌دانستند، ولی منبع موثقی که این گفته را تأیید کند در دسترس نیست. به دلیل همین محدودیت‌ها، یک زن فرانسوی که معروف به مادام حاجی عباس بوده در سال‌های دو دهه اول سلطنت ناصرالدین‌شاه به دستور شاه از زن‌های اندرون عکس برمی‌داشته که عکس‌های بسیاری از آن‌ها هنوز باقی است (تفضلی و معتضد، ۱۳۷۸، ص ۴۱۷).

به تصویر درآوردن چهره زنان با توجه به ممنوعیت‌ها و تعصب‌های مذهبی در مورد مطرح‌شدن زنان در ایران دوران قاجار، جزو محرمات دینی اسلام محسوب می‌شده است. به همین جهت تصاویر کمی از زنان سرشناس یا زنان پادشاهان و اشراف در طول تاریخ پرفرازونشیب ایران به تصویر درآمده است و تصاویر زنان در نقاشی‌های دوران قاجار و دوره‌های قبل از آن، بیشتر مربوط به رقصه‌ها و زنان بزم‌آرای مجالس عیش و طرب هست (طهماسب پور، ۱۳۸۷، ۴۷-۴۶). در سال ۱۲۹۴ق. نیز عکاس‌خانه مبارکه دارالفنون برای گسترش عکاسی و عمومی شدن آن یک اعلان که در ده فصل نوشته شده

بود در روزنامه علمی نمره چهار، دوشنبه ۲۱ رمضان همان سال منتشر کرد:



"فصل اول؛ از طبقات مختلفه نوکر و رعیت با تساوی قیمت در این عکاس‌خانه عکس انداخته خواهد شد. فصل دوازدهم؛ وضع این عکاس‌خانه محض رجال است و مطلقاً جماعت نسوان ممنوع‌اند که داخل عکاس‌خانه شوند خواه رو بسته خواه رو گشاده خواه مسلمنه خواه خارجه از مذهب اسلام که حجاب را در مذهب خود واجب نمی‌دانند" (اقبال، ۱۳۹۲، ص ۵۱-۵۰).

در این شرایط فقط درباریان و افراد صاحب نفوذ اجازه عکس انداختن از محارم و یا دختران خردسال خود را داشتند که عکس‌هایی از این دست در مجموعه اسناد تصویری مرکز اسناد آستان قدس رضوی موجود است (تصویر شماره ۲).



تصویر شماره ۲. عکس دختران خردسال

زنان عکاس

بنا به مطالب ذکرشده فعالیت عکاسی و عکس‌برداری در دوره قاجار بسیار محدود و تنها تعدادی از گزارشگران خارجی و زنان دربار به فعالیت عکاسی در این دوره اشتغال داشتند و این عکس‌ها با نهایت سختی و مشکلات توسط سفرنامه نویسان و عکاسان دوره‌گرد در آن دوره گرفته شده است. از سوی دیگر اگر ما در سفرنامه‌های فرنگیان و برخی کتاب‌های دیگر، عکس‌هایی از زنان باروی باز و بی چادر و روبنده می‌بینیم، اغلب عکس‌هایی است که با قول و قرارهای سخت، به



دست‌زنان فرنگی در اندرون‌ها و خانه‌ها گرفته‌شده و گاه بی رضایت صاحبانشان در کتاب‌ها به چاپ رسیده است (ذکاء، ۱۳۷۶، ص ۱۷۸).

کولیور رایس

یکی از عکاسان زن کولیور رایس است وی در سفرنامه‌اش راجع به عکاسی زنان چنین می‌نویسد. "روزی چندین زن خوش‌سیمما نزد آمدند، به آن‌ها گفتم مایلیم عکسی از آنان بگیرم. خیلی خوشحال شدند، پانزده یا شانزده نفرشان چهره‌های جذاب خود را در معرض دید گذاشتند. زمانی که دوربین خود را آماده کردم باکمال تعجب دیدم تنها شش زن مسن در آنجا نشسته، بقیه مخفیانه فرار کرده بودند؛ زنان سالخورده گفتند اگر شخصی صورت زنان جوان را حتی در عکس ببیند شوهران آنان بسیار خشمگین می‌شوند" (کولیور رایس، ۱۳۸۳: ص ۲۱۶).

مادام ژن دیولافوا

مادام ژن دیولافوا از جمله عکاسان زن فرانسوی هست که همراه شوهر خود مارسل دیو لافوا مهندس و باستان‌شناس معروف فرانسوی در دوره قاجار به ایران مسافرت کرده است. او از هنگام حرکت از فرانسه تا موقع مراجعت به آنجا وقایع روزانه مسافرت و نتیجه مشاهدات و تحقیقات و مطالعات شوهر خود را مشروحاً یادداشت کرده و به‌صورت کتابی (مسافرت دیولافوا در ایران و شوش و کلد) در پاریس به طبع رسانده است و عکس‌های بسیار ارزشمندی از ایران تهیه کرده که شرح گزارش او در رابطه با عکس‌برداری از زنان و حاکم شهر مرند به شرح ذیل است.

"در شهر مرند منزل مسکونی ما بهتر بگویم لانه‌ای که شب را در آن به سر بردیم بر دهکده مشرف است. در حیاط خانه‌ای دو زن جوان ایستاده و با زن صاحب‌خانه صحبت می‌کردند و چون خیال نمی‌کردند کسی آن‌ها را ببیند صورت‌های خود را نپوشانیده بودند. من خود را عقب دیواری پنهان کرده و از شوهرم دستگاه عکاسی را خواستم و توانستم بدون اینکه کسی آگاه شود عکسی از این صحنه قشنگ بردارم. پس از آن که این عمل محرمانه تمام شد شاسی‌ها را در پارچه سیاه پیچیدم و از بام به زیر آمدم و با مارسل به تماشای شهر پرداختیم" (دیولافوا، ۱۳۹۰: ص ۴۶).



"طرف عصر به من خبر دادند که زن خدمتکار مسلمانی می‌خواهد شمارا ملاقات کند و مطالب محرمانه‌ای دارد. اجازه ورود دادم، خدمتکار آمد و پس از سلام گفت خانم حاکم به محض ورود به دارالحکومه فهمید که شما فرنگی هستید. اولاً از بدرفتاری فراشان از شما عذرخواهی می‌کند. ثانیاً چون می‌داند که شما خانم عکاس‌باشی هستید بسی مایل است که عکسی از او بگیرد و چون حاکم با بهانه‌های مختلف می‌خواهد او را از این خیال منصرف سازد مرا محرمانه نزد شما فرستاده و گفته است که فردا بدون همراه بالباس مندرسی به خانه امام‌جمعه می‌رود. لباس‌های خود را هم قبل نزد خانه امام فرستاده است و در آنجا منتظر شماست بروید و عکسی از او بگیرید اما سفارش زیاد کرده است که کسی از این کار آگاه نشود" (همان، ص ۲۴).

اشرف السلطنه

از دیگر عکاسان زن ایرانی که با دوربین سروکار داشته است، وی دختر امام قلی میرزا عمادالدوله پسر محمدعلی میرزا دولت شاه فرزند فتحعلی شاه قاجار است. عکاسی را نزد شاهزاده سلطان محمد میرزا آموخته بود. پس از اعتماد السلطنه با سید عرب نایب التولیه که عمه زاده‌اش بود ازدواج کرد و ساکن مشهد شد. در سن پنجاه و سه سالگی در مشهد در سال ۱۳۳۳ ه. ق. فوت و در دارالسیاده مدفون شد (ذکاء، ۱۳۷۶، ص ۱۸۰-۱۷۸).

اعتماد السلطنه در رابطه با اشرف السلطنه چنین می‌نویسد. "شاهزاده عرب ملک خانم ملقبه به اشرف السلطنه صبیبه عمادالدوله امام قلی میرزا دولت‌شاه ابن فتحعلی شاه قاجار است. عکس‌های قشنگ برمی‌داشت. عکاسی را نزد شاهزاده سلطان محمد میرزا والد کمترین آموخته بودند" (اعتماد السلطنه، ۱۳۴۵، ص ۷).

به‌جز اشرف السلطنه که شرح‌حال او گذشت؛ از میان بانوان ایرانی دوره ناصری، دو خواهر عکاس سراغ داریم که هر دو همسران عکاس‌باشی‌های ناصرالدین شاه بودند و چنین می‌نماید که هر دو عکاسی می‌کرده‌اند. فاطمه سلطان خانم که با میرزا حسین‌علی عکاس‌باشی ازدواج کرد و عکاسی را از شوهرش آموخته بود و از خانواده‌ها و خانم‌ها و کودکان عکس برمی‌داشت؛ از این عکاس شش به یادگار مانده است. دیگری عذرا خانم بود که نمونه عکسی از وی برجای نمانده است (ذکاء، ۱۳۷۶، ص ۱۸۰).



عکس‌های زنان در دوره قاجار

یکی از مجموعه‌های که در مرکز اسناد آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود عکس‌های مربوط به زنان در دوره قاجار است که به صورت خریداری و اهدایی در این مرکز گردآوری شده است.

تعداد عکس‌های مربوط به زنان در این مرکز در حدود دویست قطعه است. عکس‌ها با وجود تعداد کم اما از موضوع‌بندی و تنوع خاصی برخوردار است (جدول شماره یک) به طوری که زنان بنا به فرصت پیش آمده با ژست‌ها و نماهای خاصی عکس گرفته‌اند که خود نشان از سهم‌خواهی آن‌ها از جامعه با توجه به متن و محتوای عکس‌های است.

جدول ۱. تعداد عکس‌های زنان دوره قاجار به تفکیک موضوع و طبقات اجتماعی در مرکز اسناد آستان قدس رضوی

اشراف و شاهزادگان	عکس‌های دسته‌جمعی	مشاغل زنان	کودکان (دختر)	سایر طبقات
۸۰ شماره اموالی	۵۵ شماره اموالی	۲۰ شماره اموالی	۱۵ شماره اموالی	۳۰ شماره اموالی

قدیمی‌ترین آن مربوط به زنان ناصرالدین‌شاه که توسط خود شاه و یا عکاسان مورد اعتماد شاه گرفته شده است که به

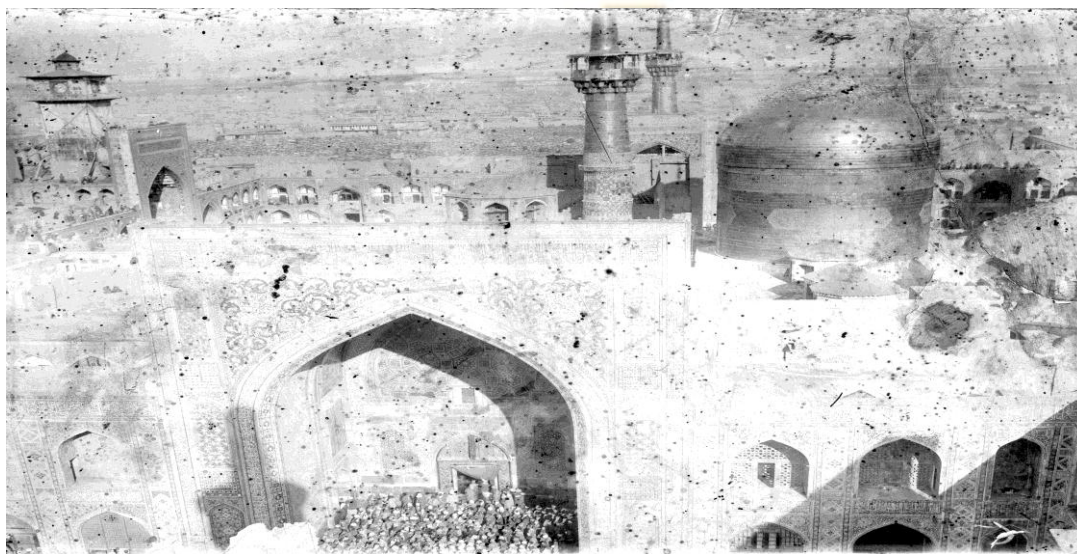
لحاظ کیفیت و موضوع از اهمیت بسیار بالایی در این مرکز برخوردار است (تصویر شماره ۳).



تصویر شماره ۳. تصویر فاطمه سلطان باغبان‌باشی معروف به خانم باشی همسر ناصرالدین‌شاه



یکی از نفیس‌ترین عکس‌های این مجموعه، تجمع زنان در ایوان مقصوره مسجد جامع گوهرشاد است که عکس مربوط به واقعه تاریخی توپ بندی حرم امام رضا (ع) به سال ۱۳۳۰ قمری است (تصویر شماره ۴).



تصویر شماره ۴: تجمع زنان در ایوان مقصوره مسجد جامع گوهرشاد در واقعه توپ بندی حرم امام رضا (ع)

عکس‌های دیگر این مجموعه در رابطه با شهر مشهد شامل زیارت، دست‌فروشی، تکدی‌گری و غیره است که زنان با پوشش خاص آن دوره در تصویر دیده می‌شوند (تصاویر شماره ۵ و ۶).

دوره ۸ شماره ۳۰ و ۳۱
بهار و تابستان ۱۳۹۵

شریح اکثر دینی ماندن کتابخانه مرکز انداختن قدس رضوی



تصویر شماره ۵. دور نمای حرم امام رضا(ع) و بست پایین خیابان (نواب صفوی فعلی) در اواخر دوره قاجار
(زنان با پوشش خاص در عکس دیده می‌شوند)



تصویر شماره ۶. نمایی از پایین خیابان مشهد و زن دست‌فروش در دوره قاجار (عکاس: نیدر مایر)

عکس‌های زنان اشراف این دوره در مقایسه با سایر طبقات اجتماعی قابل توجه بوده و این قشر از جامعه عکس خود را

فاصله‌ای برای تفاخر و حفظ فاصله طبقاتی بین خود و سایر زنان جامعه در نظر گرفته‌اند (تصویر شماره ۷).



تصویر شماره ۷: عکس زن طبقه اشراف در دوره قاجار

تعدادی از تصاویر این مجموعه مشاغل آن دوره را بازگو می‌کند که از وضوح خاصی برخوردار است. که از آن جمله می‌توان به زنان نوازنده و زنان برک باف اشاره کرد (تصویر شماره ۸).



تصویر شماره ۸. برک بافی زنان سیستانی در دوره قاجار

گاهی در عکس‌های مربوط به زنان، کودکان آن‌ها نیز دیده می‌شود که حاکی از رابطه مادر و فرزندی است. به طوری که در مجموعه اسناد موجود در این مرکز، تعداد سه تصویر در این موضوع وجود دارد (تصویر شماره ۹).



تصویر شماره ۹. عکس گروهی از زنان دوره قاجار با کودکان

مکان و فضای عکس انداختن از زنان بیشتر در منازل بوده که بیشتر عکس‌ها به صورت فردی و تصاویر همراه با پوشش خاص آن دوره همراه است (تصویر شماره ۱۰).



تصویر شماره ۱۰. زن دوره قاجار در حال کشیدن قلیان



پوشش زنان در عکس‌ها همیشه کامل بوده و متناسب با پوشش آن دوران است که زن یا زنان خانواده نقاب یا پارچه‌ای در جلوی صورت قرار داده و صورت خود را با دست پوشانده‌اند البته در عکس‌های طبقه اشراف حجاب کامل نبوده است (تصویر شماره ۱۱).



تصویر شماره ۱۱. زن دوره قاجار باحجاب مخصوص

نتیجه‌گیری

عکس‌های برجای مانده از زنان در دوره قاجار نشانگر این است که گروهی از زنان به محض آشنایی با قابلیت‌های هنر و صنعت عکاسی، تمام سعی و تلاش خود را برای هویت بخشی به جامعه زنان ایرانی نشان داده و در ادامه، احقاق حقوق مدنی و اجتماعی خود را خواستار شدند. هدف خاص زنان از ارتباط با عکاسی گذشته از علاقه‌مندی، برابری با مردان در همه عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی است. بررسی این عکس‌ها نشان می‌دهد که این عکس‌ها توسط خود شاه و یا توسط سیاحان و یا سفرای کشورهای خارجی مقیم ایران تهیه شده است. این مجموعه اگرچه به لحاظ تعداد محدود اما به لحاظ محتوا بسیار ارزشمند و از درجه بالایی در میان اسناد تصویری این مرکز برخوردار بوده و می‌تواند پاسخگوی بسیاری از شبهات و سؤالات محققان در زمینه تاریخ زنان در این دوره باشد.



منابع و مآخذ

۱. اعتمادالسلطنه، محمدحسن (۱۳۵۶). روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه با مقدمه ایرج افشار. تهران: امیرکبیر.
۲. اقبالی، رضا (۱۳۹۲). عکاسی در مطبوعات: مجموعه تصاویر چاپ شده در نخستین روزنامه‌های مصور ایران عصر ناصری و مظفری. خرم‌آباد: شاپور خواست.
۳. تفضلی، ابوالقاسم و معتضد، خسرو (۱۳۷۸). از فروغ السلطنه تا انیس الدوله زنان حرم‌سرای ناصرالدین‌شاه: بررسی و تحلیل زندگی، رویدادها و سرنوشت آنان. تهران: گلریز.
۴. دیولافوا، مادام (۱۳۹۰). سفرنامه مادام دیو لافوا: ایران و کلدۀ دارای ۳۳۶ کلیشه و گراورهای زیبا. مترجم: فره وشی، همایون، تهران: دنیای کتاب.
۵. ذکاء، یحیی (۱۳۷۶). تاریخ عکاسی و عکاسان پیشگام در ایران. تهران: علمی و فرهنگی.
۶. طهماسب پور، محمدرضا (۱۳۸۹). از نقره و نور: (جستارهایی در تاریخ عکاسی ایران). تهران: نشر تاریخ ایران.
۷. طهماسب پور، محمدرضا (۱۳۸۷). ناصرالدین‌شاه عکاس: پیرامون تاریخ عکاسی ایران. تهران: تاریخ ایران.
۸. کولیورایس، کلارا (۱۳۶۶). زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنان: سفرنامه کلارا کولیورایس. مترجم: آزاد، اسدالله، مشهد: آستان قدس رضوی.